



## حکم‌برونده شهادت

## سردار حاج قاسم سلیمانی صادر شد

**دولت امریکا و ۴۱ شخص حقیقی و حقوقی دیگر در امریکا به دلیل جنایات صورت گرفته در به شهادت رساندن سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به پرداخت ۴۹ میلیارد و ۷۷۰ میلیون دلار محکوم شدند.**
در پی دادخواهی ۳ هزار و ۳۱۸ هموطنان از سراسر کشور، دادگاه رسیدگی به پرونده مطالبه خسارت مادی، معنوی و تنبیهی ناشی از شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در شعبه ۵۵ دادگاه عمومی تهران (شعبه ویژه رسیدگی کننده به دعاوی بین‌المللی) به ریاست قاضی حسین‌زاده مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از برگزاری سه جلسه رسیدگی علنی، دادگاه رأی به محکومیت دولت امریکا در این رأی‌برونده صادر کرد. این پرونده شامل ۱۱۴ کلاسه پرونده حقوقی

واصله از استان‌های مختلف کشور است.
دادگاه در این پرونده به تقصیر ۴۲ نفر از اشخاص حقیقی و حقوقی دخیل در به شهادت رساندن سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از جمله دولت امریکا، دونالد ترامپ، وزارت امور خارجه امریکا، مایک پمپئو، براین هوک، وزارت دفاع امریکا، مارک اسپر، مارک الکساندر میلی، فرانک دیکسون وپتووث، اندرو پینتر پاپاس، ریچارد داگلاس کلارک، اسکات آلن هساوول، تیموتی گارلند،الکسوس گر گوری گرینکوویچ، نیروی هوایی امریکا، جیمز مایکل هولمز، جوزف توماس گواستالا دوم، بردلی جنس استازمن، استون از جونز، مارک هولمز اسلوکام، ناتال اندرو مید، استیسی کلمن، رادنی لی سیمپسون، آلن ری هندرسون دوم، آژانس امنیت ملی امریکا، ابرت سی اوایرن، فرزانگی اطلاعات مرکزی امریکا، جینا هسیل، نیروی‌های سننگام، کنت فرانکلین فرانک مکزی، وزارت خزانه‌داری امریکا، استیون منوچین، بانک مرکزی امریکا، جروم هیدین پاول، شرکت جنرال اتمیक्स، جیمز ویل بلو، لیندن استنلی بلو، شرکت اسلحه‌سازی ریتون، شرکت لاکهید مارتین، شرکت اس چهار جی، مایکل دی آندر یا و اندرو پیک رسیدگی کرد.
دادگاه رسیدگی به این پرونده در سه جلسه برگزار و در نهایت حکم دادگاه صادر شد. بر این اساس شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی روابط بین‌الملل به ریاست قاضی حسین‌زاده، طبق قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی امریکا و قانون الزام دولت به پیگیری جریان خسارت ناشی از اقدامات و جنایات امریکا علیه ایران و اتباع ایرانی به خواسته مطالبه مادی و معنوی (روانی) ناشی از ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی رسیدگی و حکم به محکومیت دولت امریکا و خواندگان پرونده داد.

بر اساس حکم دادگاه، هر یک از خواندگان پرونده به نحو تضامنی به پرداخت ۵ میلیون دلار به ازای هر خواهان مجموعاً ۱۶ میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلار معادل ۸۲۶هزار و ۱۸۲ میلیارد تومان از باب خسارت مادی و معنوی وارده محکوم شدند.

همچنین دادگاه با توجه به قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی از باب تنبیه رفتار خواندگان و جلوگیری از تکرار آن در آینده به دلیل اینکه اقدام آنها در به شهادت رساندن سردار شهید حاج قاسم سلیمانی مصداق بارز نقض حقوق بشر است، حکم به پرداخت غرامت تنبیهی به نحو تضامنی به میزان دو برابر خسارت مادی و معنوی وارده به میزان ۱۰ میلیون دلار برای هر یک از خواهان پرونده، مجموعاً به میزان ۳۳ میلیارد و ۱۸۰ میلیون دلار معادل یک میلیون و ۶۵۲ هزار و ۳۶۶ میلیارد تومان داد.

در این پرونده خواندگان مجموعاً به پرداخت ۴۹ میلیارد و ۷۷۰ میلیون دلار محکوم شده‌است که این مبلغ از مبلغ مبلغ ریالی معادل با پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ صدور رأی تا روز اجرای رأی همراه خواهد بود. همچنین دادگاه، دولت امریکا و دیگر خواندگان پرونده را محکوم به عنر خواهی رسماً از خواهان ها و درج در یکی از جرایم کثیرالانتشار محکوم کرده‌است. حکم این پرونده به صورت غیابی صادر شده و ظرف مدت دو ماه قابل واخواهی در دادگاه است.

# سلامه

## بیش از ۷ میلیون ایرانی دیابتی هستند

**معاون دفت‌ر بیماری‌های غیر‌واکس‌ر وزارت بهداشت گفت: طبق آخرین مطالعات ۱۴درصد جمعیت بالای ۲۵ سال کشور مبتلا به دیابت هستند. در واقع بیش از ۷ میلیون**

**دیابتی و ۱۲ میلیون نفر در معرض این بیماری قرار دارند.**
علیرضا مهدوی شهساز، معاون دفت‌ر بیماری‌های غیر‌واکس‌ر وزارت بهداشت گفت: از بیستم آبان ماه اولین فاز پویش ملی سلامت که مختص به غربالگری دیابت و پرفشاری خون است توسط وزیر بهداشت رونمایی شد. در این پویش از جمعیت ۱۸ سال به بالا دعوت شد که مشارکت داشته‌باشند.

وی افزود: در مرحله اول این پویش مناطق روستایی، شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر و شهرهایی که طرح‌های سلامت در آن اجرا می‌شود، آغاز شده و بعد از آن سایر مناطق کشور نیز اضافه شد. ما پیام‌هایی را برای ۴۰ میلیون نفر ارسال کرده و از آنها برای شرکت در این پویش دعوت می‌کنیم.

مهدوی اظهار داشت: در این پیامک با سر شماره بهداشت، از افراد کد ملی و شماره تلفنی که به نام خودشان است گرفته می‌شود و در ادامه آن یک پرسشنامه به همراه راهنما برایشان ارسال می‌شود. بهتر است از قبل نتیجه آزمایش خونی را که کمتر از شش ماه از آن می‌گذرد، در اختیار داشته باشند. این برنامه تا ۱۵ دی ماه به طول خواهد انجامید.

وی در خصوص وضعیت کنونی دیابت در کشور گفت: بر طبق آخرین مطالعات ما، ۱۴ درصد جمعیت بالای ۲۵ سال کشور مبتلا به دیابت هستند. ۲۸ درصد این جمعیت در شرایط پیش دیابت هستند. واقع بیش از ۷ میلیون دیابتی و ۱۲ میلیون نفر در معرض دیابت قرار دارند. در مطالعه قبلی درصد بیماران دیابتی ۱۰/۸ درصد بود. دلیل این افزایش تنهام به پاندمی کووید محدود نمی‌شود و علل متفاوتی در آن تأثیرگذار هستند.

مهدوی افزود: برای پیشگیری از دیابت توصیه می‌شود که تا ۵ تا ۷ درصد وزن بدن کم نشود. تحرک کافی، کم کردن نمک و چربی از غذاها نیز تأثیر بسزایی می‌دهد. ما این پویش را شروع کردیم تا مردم از وضعیت فشار خون و قند خون خود آگاه باشند. در اینجا کسی به صورت قطع تشخیص داده نمی‌شود و باید افراد پیگیری لازم را داشته‌باشند و

مراجعه کنند.

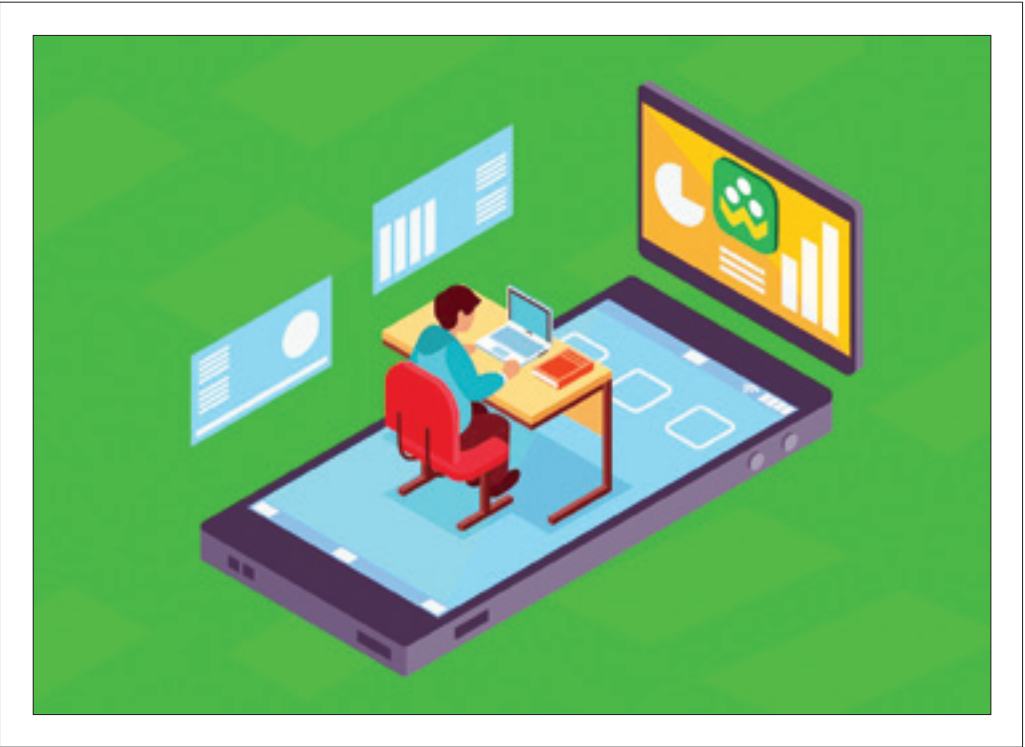
پنج‌شنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۲ | ۲۳ جمادی‌اول ۱۴۴۵

# جامعه

سرویس اجتماعی ۰۶۰۸۵۲۲۴

در گفت‌وگوی «جوان» با مقام سابق آموزش و پرورش مطرح شد

# فاجعه آموزش موبایلی



مدتی است مدارس به دلیل آلودگی هوا غیرحضوری شده‌اند، مدارس غیرحضوری نیز عملاً یعنی والدین باید فرزندن خود را به سمت تلفن‌های همراه و فضای مجازی هدایت کنند، چیزی که در اینجا مهم است اینکه رفتن سراغ فضای مجازی می‌تواند برخی از آسیب‌ها را با خود به همراه داشته‌باشد و به اسم درس خواندن زمان کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلف می‌شود؛ اتفاقی که در دوران کرونا موجب شد برخی از دانش‌آموزان به شکل کامل از درس کناره‌گیری کنند.
حمله اینکه رفتارهای خلاف اخلاق و اسلامی از جمله چالش‌های خواننده لس آنجلسی مانند ساسی ماتکن نیز در این فضا تبلیغ می‌شوند، خود می‌تواند به عمیق‌تر شدن آسیب‌های این فضا منجر شود و دانش‌آموزان را راحت‌تر از فضای آموزشی و پرورشی دور کند. به منظور بررسی تأثیری که تدریس غیرحضوری بر دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانان دارد به سراغ ناصر گوهستانی، کارشناس آموزش رشته‌های در گفت‌وگوی «جوان» با او که مدیران سابق آموزش و پرورش تهران است در خصوص مزایا و معایب این روش آموزش گفت و گو کرده‌ایم.

■ ■ ■

**از نظر شما به عنوان کارشناسی که سال‌های متعددی در فضای آموزش و پرورش حضور داشته‌اید، والدین در شرایط غیرحضوری شدن مدارس با چه چالشی‌ها مواجه می‌شوند؟**

در مورد اجازه ندادن باقی‌دانست که الان موبایل یک امر اجتناب‌ناپذیر است. تجربه کاری من نشان می‌دهد وقتی که مثلاً یکی یک اردو را هم بدون گوشی همراه اعلام می‌کند، اصلاً استقبال نمی‌شود و این نشان می‌دهد که الان موبایل یک امر خیلی معمول شده و شما نمی‌توانید آن را از همه جدا کنید، حتی می‌توان گفت اکنون گوشی همراه جزئی از بچه‌ها شده‌است، البته مگر ما آدم بزرگ‌ها می‌توانیم آن را از خودمان جدا کنیم که بخواهیم آن را از بچه‌ها بگیریم. وقتی ما چندین ساعت در گوشی مشغول هستیم، بچه هم به من نگاه می‌کند و من به عنوان پدر، معلم یا بزرگ‌تر برای او یک‌لگو هستم.

ان‌ان باید کار ما آگاه‌سازی، آموزش و فرهنگ‌سازی باشد، ما در کف کار مدرسه هستیم در دبستان، متوسطه دوره اول و دوم داریم، وضعیت را می‌بینیم و با دانش‌آموزان کار می‌کنیم، می‌گوییم شما اصلاً اگر ممنوعیت ورود موبایل به مدرسه را هم وضع کنید امکانیکه ما داریم قابلی را اجرا می‌کنیم که قید مدرسه این است که بچه‌ها نباید با خود موبایل

بیاورند، ولی با بچه‌ها اگر پنهانی هم شده موبایل را با خود می‌آورند، اینها همیشه نشان می‌دهد که باید برای این کار فرهنگ‌سازی کرد، محرومیت تا یک جایی جواب می‌دهد و از یک جایی به بعد واقعاً محرومیت جواب نمی‌دهد.

**یعنی باید چیکار کنیم؟**

آموزش و آگاهی خانواده‌ها در چگونگی استفاده دانش‌آموزان از فضاسی مجازی و شبکه‌های اجتماعی باید اتفاق بیفتد، باید ماهانه و هفتگی جلسه بگذاریم و حتی کلاس‌های فردی داشته باشیم. راهش این است؛ حالا رسانه‌های جمعی نیز باید به کمک آموزش و پرورش بیایند. این همه صداوسیما در مورد مسائل مختلف میزگرد می‌گذارد، یکی از برنامه‌ها هم در این خصوص باشد و این مسئله را نیز به عنوان اولویت در برنامه‌ها خود هم کمتر شود و مدارس آخرین بخشی باشند آموزش و پرورش باید این مسئله را در اولویت‌های به دروس برسیم. ما همه اینها در این شرایط درجه اول وظیفه خانواده فوق‌العاده سنگین است، نظارت دقیق، بالینی و رسیدگی دقیق را از جانب

خانواده می‌خواهیم و از سوی دیگر خیلی از نهادها مانند صداوسیما و دیگر بخش‌ها باید به خانواده‌ها آگاهی بخشی دهند. یکی از اولویت‌های اصلی مدارس آموزش خانواده است که باید با آگاه‌سازی دانش‌آموزان و خانواده‌ها چگونگی مواجهه با فضای مجازی را به آنها آموزش دهند و این مسئله باید در مدارس شروع شود و در آموزش به خانواده‌ها به عنوان یکی از اولویت‌ها باشد. چون جدا از بحث تعطیلات به دلیل آلودگی هوا، بچه‌ها خیلی در این فضای مجازی وارد شده‌اند.

در نشست اخیریی که با چند نفر از اولیا و دانش‌آموزان داشته‌ایم، بزرگ‌ترین گلایه آنها از پایین آمدن سطح علمی دانش‌آموزان بود، دانش‌آموز را بعد از خروج از منزل به راحتی شش تا هفت ساعت در فضای مجازی است که این

روزنامه جوان | شماره ۶۹۱۷

سرویس اجتماعی ۰۶۰۸۵۲۲۴

در گفت‌وگوی «جوان» با مقام سابق آموزش و پرورش مطرح شد

## فاجعه آموزش موبایلی

مدتی است مدارس به دلیل آلودگی هوا غیرحضوری شده‌اند، مدارس غیرحضوری نیز عملاً یعنی والدین باید فرزندن خود را به سمت تلفن‌های همراه و فضای مجازی هدایت کنند، چیزی که در اینجا مهم است اینکه رفتن سراغ فضای مجازی می‌تواند برخی از آسیب‌ها را با خود به همراه داشته‌باشد و به اسم درس خواندن زمان کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلف می‌شود؛ اتفاقی که در دوران کرونا موجب شد برخی از دانش‌آموزان به شکل کامل از درس کناره‌گیری کنند.
حمله اینکه رفتارهای خلاف اخلاق و اسلامی از جمله چالش‌های خواننده لس آنجلسی مانند ساسی ماتکن نیز در این فضا تبلیغ می‌شوند، خود می‌تواند به عمیق‌تر شدن آسیب‌های این فضا منجر شود و دانش‌آموزان را راحت‌تر از فضای آموزشی و پرورشی دور کند. به منظور بررسی تأثیری که تدریس غیرحضوری بر دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانان دارد به سراغ ناصر گوهستانی، کارشناس آموزش رشته‌های در گفت‌وگوی «جوان» با او که مدیران سابق آموزش و پرورش تهران است در خصوص مزایا و معایب این روش آموزش گفت و گو کرده‌ایم.

■ ■ ■

اینها به میزان برنامه‌ریزی مدرسه‌ها ارتباط پیدا می‌کند و نیاز به برنامه‌ریزی تخصصی دارد. به کلام است، بله، اتفاقای بسا در همین کلاس‌های حضوری می‌بینید امکاناتی که برای دانش‌آموز فراهم شده به شکلی است که مثلاً تدریس را نمی‌فهمد یا دیر فرد توانمندی نیست. فرقی ندارند مدرسه دولتی، غیردولتی، نمونه یا تیزهوشان باشد یا‌لاخره برنامه‌ریزی شده که یک معلمی حضور پیدا کند و ممکن است او نتواند این تدریس را به خوبی انجام دهد در صورتی که دانش‌آموز اگر آگاهی داشته‌باشد می‌تواند هزاران تدریس و بهترین کتب‌های آموزشی را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی جست‌وجو و استفاده کند، ولی چقدر ما توانسته‌ایم بچه‌ها را به این سمت ببریم، این کار حوصله، وقت، نیروی متخصص، مشاور و برنامه‌ریزی می‌خواهد، امکان اینها وجود دارد و فضای مجازی هم فرصت است، ولی باید بتوان از آن استفاده کرد و همه اینها کار می‌برد.

**بالاخره این تهدیدات و فرصت‌هایی که شما از آنها حرف می‌زنیم فقط مختص به کشور ما نیست و الان فضای مجازی در دنیا خیلی عمومی شده‌است.**
قطعاً ممکن است، خود همین یک یک روزی آلودگی می‌شد یا برف می‌بارید و بچه‌ها در منزل تعطیل مطلق بودند، هیچ کاری نمی‌تواند ولی امروز از صبح برنام دارند، فرصت هست، من تجربه عینی دیده‌ام که مشاور مدرسه و مسئول هر پایه در روز غیرحضوری بودن مدارس برنامه مرتبط داده که مثلاً از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ این درس را داریم، زنگ دوم این درس و زنگ سوم هم این درس است. اینها فرصت است، ببینید چقدر خوب می‌شود به شکل آنلاین و آفلاین از امکانات تدریس استفاده کرد یا همین شبکه اجتماعی شاد با وجود انتقادهایی که به آن داریم در جاهایی هم خیلی خوب است و اگر بحث اینترنت این شبکه هم فراهم شود، معلم می‌تواند آموزش خود را بدهد یعنی حداقل اگر دانش‌آموز در مدرسه می‌توانستش ساعت یک آموزش حضوری کاملی را دریافت کند الان در خانه هم می‌توانیم به عنوان یک فرصت دو یا سه ساعت آموزش مفید ایجاد کنیم.

**بگویند که اصطلاحاً نگذارید اینقدر سریع‌ها وارد فضای مجازی شوید؟**

در مورد اجازه ندادن باقی‌دانست که الان موبایل یک امر اجتناب‌ناپذیر است. تجربه کاری من نشان می‌دهد وقتی که مثلاً یکی یک اردو را هم بدون گوشی همراه اعلام می‌کند، اصلاً استقبال نمی‌شود و این نشان می‌دهد که الان موبایل یک امر خیلی معمول شده و شما نمی‌توانید آن را از همه جدا کنید، حتی می‌توان گفت اکنون گوشی همراه جزئی از بچه‌ها شده‌است، البته مگر ما آدم بزرگ‌ها می‌توانیم آن را از خودمان جدا کنیم که بخواهیم آن را از بچه‌ها بگیریم. وقتی ما چندین ساعت در گوشی مشغول هستیم، بچه هم به من نگاه می‌کند و من به عنوان پدر، معلم یا بزرگ‌تر برای او یک‌لگو هستم.

ان‌ان باید کار ما آگاه‌سازی، آموزش و فرهنگ‌سازی باشد، ما در کف کار مدرسه هستیم در دبستان، متوسطه دوره اول و دوم داریم، وضعیت را می‌بینیم و با دانش‌آموزان کار می‌کنیم، می‌گوییم شما اصلاً اگر ممنوعیت ورود موبایل به مدرسه را هم وضع کنید امکانیکه ما داریم قابلی را اجرا می‌کنیم که قید مدرسه این است که بچه‌ها نباید با خود موبایل بیاورند، ولی با بچه‌ها اگر پنهانی هم شده موبایل را با خود می‌آورند، اینها همیشه نشان می‌دهد که باید برای این کار فرهنگ‌سازی کرد، محرومیت تا یک جایی جواب می‌دهد و از یک جایی به بعد واقعاً محرومیت جواب نمی‌دهد.

**یعنی باید چیکار کنیم؟**
آموزش و آگاهی خانواده‌ها در چگونگی استفاده دانش‌آموزان از فضاسی مجازی و شبکه‌های اجتماعی باید اتفاق بیفتد، باید ماهانه و هفتگی جلسه بگذاریم و حتی کلاس‌های فردی داشته باشیم. راهش این است؛ حالا رسانه‌های جمعی نیز باید به کمک آموزش و پرورش بیایند. این همه صداوسیما در مورد مسائل مختلف میزگرد می‌گذارد، یکی از برنامه‌ها هم در این خصوص باشد و این مسئله را نیز به عنوان اولویت در برنامه‌ها خود هم کمتر شود و مدارس آخرین بخشی باشند آموزش و پرورش باید این مسئله را در اولویت‌های به دروس برسیم. ما همه اینها در این شرایط درجه اول وظیفه خانواده فوق‌العاده سنگین است، نظارت دقیق، بالینی و رسیدگی دقیق را از جانب خانواده می‌خواهیم و از سوی دیگر خیلی از نهادها مانند صداوسیما و دیگر بخش‌ها باید به خانواده‌ها آگاهی بخشی دهند. یکی از اولویت‌های اصلی مدارس آموزش خانواده است که باید با آگاه‌سازی دانش‌آموزان و خانواده‌ها چگونگی مواجهه با فضای مجازی را به آنها آموزش دهند و این مسئله باید در مدارس شروع شود و در آموزش به خانواده‌ها به عنوان یکی از اولویت‌ها باشد. چون جدا از بحث تعطیلات به دلیل آلودگی هوا، بچه‌ها خیلی در این فضای مجازی وارد شده‌اند.

در نشست اخیریی که با چند نفر از اولیا و دانش‌آموزان داشته‌ایم، بزرگ‌ترین گلایه آنها از پایین آمدن سطح علمی دانش‌آموزان بود، دانش‌آموز را بعد از خروج از منزل به راحتی شش تا هفت ساعت در فضای مجازی است که این

روزنامه جوان | شماره ۶۹۱۷

سرویس اجتماعی ۰۶۰۸۵۲۲۴

در گفت‌وگوی «جوان» با مقام سابق آموزش و پرورش مطرح شد

مدتی است مدارس به دلیل آلودگی هوا غیرحضوری شده‌اند، مدارس غیرحضوری نیز عملاً یعنی والدین باید فرزندن خود را به سمت تلفن‌های همراه و فضای مجازی هدایت کنند، چیزی که در اینجا مهم است اینکه رفتن سراغ فضای مجازی می‌تواند برخی از آسیب‌ها را با خود به همراه داشته‌باشد و به اسم درس خواندن زمان کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلف می‌شود؛ اتفاقی که در دوران کرونا موجب شد برخی از دانش‌آموزان به شکل کامل از درس کناره‌گیری کنند.
حمله اینکه رفتارهای خلاف اخلاق و اسلامی از جمله چالش‌های خواننده لس آنجلسی مانند ساسی ماتکن نیز در این فضا تبلیغ می‌شوند، خود می‌تواند به عمیق‌تر شدن آسیب‌های این فضا منجر شود و دانش‌آموزان را راحت‌تر از فضای آموزشی و پرورشی دور کند. به منظور بررسی تأثیری که تدریس غیرحضوری بر دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانان دارد به سراغ ناصر گوهستانی، کارشناس آموزش رشته‌های در گفت‌وگوی «جوان» با او که مدیران سابق آموزش و پرورش تهران است در خصوص مزایا و معایب این روش آموزش گفت و گو کرده‌ایم.

مدتی است مدارس به دلیل آلودگی هوا غیرحضوری شده‌اند، مدارس غیرحضوری نیز عملاً یعنی والدین باید فرزندن خود را به سمت تلفن‌های همراه و فضای مجازی هدایت کنند، چیزی که در اینجا مهم است اینکه رفتن سراغ فضای مجازی می‌تواند برخی از آسیب‌ها را با خود به همراه داشته‌باشد و به اسم درس خواندن زمان کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلف می‌شود؛ اتفاقی که در دوران کرونا موجب شد برخی از دانش‌آموزان به شکل کامل از درس کناره‌گیری کنند.
حمله اینکه رفتارهای خلاف اخلاق و اسلامی از جمله چالش‌های خواننده لس آنجلسی مانند ساسی ماتکن نیز در این فضا تبلیغ می‌شوند، خود می‌تواند به عمیق‌تر شدن آسیب‌های این فضا منجر شود و دانش‌آموزان را راحت‌تر از فضای آموزشی و پرورشی دور کند. به منظور بررسی تأثیری که تدریس غیرحضوری بر دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانان دارد به سراغ ناصر گوهستانی، کارشناس آموزش رشته‌های در گفت‌وگوی «جوان» با او که مدیران سابق آموزش و پرورش تهران است در خصوص مزایا و معایب این روش آموزش گفت و گو کرده‌ایم.

**ولی اگر به مدارس دولتی نگاه کنیم، خیلی وضعیت امکانات ما بحرانی نیست.**

این بحث‌هایی که الان داریم در مدارس دولتی با وضعیت فعلی خیلی سخت است، من هم مدیر بود‌ام و هم در بدنه اداره آموزش و پرورش و می‌دانم خیلی با این وضعیت فاصله داریم.

فاطمه علی‌پور

## چالش فمینیسم با مادری زنان

فمینیست‌ها کارکرد مراقبتی خانواده را عمدتاً از جهت نابرابری جنسی نهفته در آن کانون مورد توجه قرار داده‌اند، از این‌رو از بین شاخصه‌های متعدد مراقبت از افراد ناتوان، موضوع مادری بیش از همه توجه آنها را به خود جلب کرده‌است.

از دیدگاه فمینیست‌ها هر چند مردان در مقایسه با دوره‌های پیشین، سهم بیشتری در امر مراقبت از کودکان و سالمندان در خانه به عهده گرفته‌اند، همچنین جنسیت عاملی مؤثر در کم و کیف ایفای این کار کرد به شمار می‌آید. مادری معمولاً به مفهوم توجه به کودکان و مراقبت از آنها، رف‌ضای نیازهای مادی، عاطفی و روانی، احساس مسئولیت در قبال آنها و همچنین برقراری مناسباتی است که نیازهای آنها را برآورده می‌کند و مادر به نوعی از بودن انسان بال‌الزامات بیولوژیکی یا زنانگی اطلاق می‌شود. در دیدگاه تعیین بیولوژیکی، مادر بودن را سر‌نوشت طبیعی و بیولوژیکی زنان می‌دانند.

جایگاه و ارزش مادری یکی از بحث‌هایی است که بخشی گسترده از اندیشه‌های فمینیستی را به خود اختصاص داده است، اما موضوعات مربوط به مادری، همواره برای آنها دشوار بوده‌است، زیرا در میان مجموعه‌ای از بحث‌های ایدئولوژیکی، بیولوژیکی و ساخت اجتماعی، مادری می‌باشد.

موضوعات مربوط به مادری همواره برای فمینیست‌ها از موضوعات مشکل بوده‌است، بنابراین به نظر می‌رسد که بحث‌های فمینیستی در مورد مادری با یک نوع تضاد و دوگانگی روبه‌رو است و موضوع مادری یکی از موضوعاتی است که باعث انتعاب بین فمینیست‌ها می‌گردد.

برای مثال از یک طرف فمینیست‌های کلاسیک را مشاهده می‌کنیم که در مورد مظلوم واقع‌شدن زنان صحبت می‌کردند و به دنبال دنیای مطلوبی می‌گشتند که در آن زنان خصوصاً مادران، نقش‌های خاص و اساسی در پرورش بچه‌هاشان داشته‌باشند، آنها برای حمایت از کودکان و مادران ارانه شیر مجانی به مادران، مرخصی استعلاجی برای زنان جهت نگهداری از بچه‌های کوچکشان مبارزه می‌کردند، ولی از طرف دیگر فمینیست‌های جدید و عمدتاً رادیکال با اتخاذ مواضع

متخلف با مادری مخالفت می‌نمودند.

به اعتقاد فمینیست‌های رادیکال باید مادری انکار شود، زیرا برای زنان خطرناک است و آنها را در موقعیت‌های پایین‌تر از مردان قرار می‌دهد و معتقدند پدرسالاری وظایفی را بر مادری تحمیل کرده‌است و مادری را وادار می‌سازد که پدرسالاری را در کودکان باز تولید و ارزش‌های فرهنگ مسلط را به فرزندانش منتقل کنند و آنها را وادار می‌سازند با

نقش‌های جنسیتی هم‌نوابی کنند تا سلسله مراتب موجود تداوم یابد. در واقع فمینیست‌ها استقلال، تس‌لوی و موضوعات فارغ از جنسیت را به عنوان آزادی شخصی هدف قرار می‌دهند و با تأکید بر تساوی، بدون در نظر گرفتن جنسیت، تحمل سختی‌های مادر در دوران حملگی، به دنیا آوردن فرزند، شیردادن و پرورش کودک را کاملاً نادیده می‌گیرند.

استدلال فایرستون این است که تفاوت جنسی در شکل تفاوت زیست‌شناختی وجود دارد، اما این تفاوت می‌تواند از طریق پیشرفت‌هایی که در فناوری تولید مثل صورت گرفته است، دگرگون شود، او به هیچ‌وجه این اندیشه را که زنان وظیفه یا تمایل فطری برای تولید مثل و مسادری دارند، نپذیرفته است و مصرانه اعتقادش بر این است که هر غریزه زنانه برای بارداری و مادری، صرفاً محصول ساختار تناسلی زنانگی است و آنگاه که علم انسانی اختراع تولید مثل را به دست گیرد، غیر ضروری می‌شود، از نگاه او جامعه‌ای که در آن تفاوت‌های جنسی ریشه‌کن شده‌است، دو‌نشانه روشن دارد:

اول، اینکه تفاوت در ظرفیت بچه زاییدن به یاری علم محو می‌شود. دوم، نقش بزرگ کردن بچه‌ها یا مادری کردن در جامعه مردان و زنان به طور مساوی تقسیم می‌شود.

سایر فمینیست‌ها هم خلاف فایرستون معتقدند مسئله مادری به خودی خود، سبب‌ساز ستم به زنان نیست، بلکه درباره شیوه جامعه در نهادی کردن مادری مهم است و همین امر پایه‌ای برای روابط ناپسند مردان با زنان شده‌است، آنها عقیده دارند که مادرشدن نه فقط مفهومی ساخته و پرداخته اجتماع است، بلکه از نظر تاریخی مفهومی ویژه دارد و به معنا که هویت اصلی و مشغولیت عمده زن پنداشته شده‌است.

فمینیست‌ها این مفهوم را بخشی از ایدئولوژی زندگی و زنانگی می‌دانند که وظیفه اصلی زنان را پرورش جنسین در دوران بارداری و شیردهی و پرورش فرزند می‌داند. آنها برای این باورند که مادری از یک سو منبعی از ارزش‌ها و ویژگی‌های خاص زنان است که معنایی برای فرهنگ زنانه ارائه می‌کند و از سوی دیگر مشکلی از سرکوب زنان است که مردسالاری آن را نهادینه کرده‌است. آنها مدعی‌اند که مادری در جامعه ساخته می‌شود و تحت تأثیر الزامات فرهنگی قرار دارد.

## نگارخانه



**این فرهنگ‌سازی از چه زمانی باید**

**اتفاق بیفتد؟**

فرهنگ‌سازی نقطه شروع ندارد، شروع شده‌است.

**نه منظورم این است که باید برای بچه کلاس اولی فرهنگ‌سازی کنیم یا برای متوسطه باید این کار را انجام دهیم؟**

این فرهنگ‌سازی شروع شده ولی اگر می‌خواهیم رسماً از یک‌جایی شروع کنیم، باید از محتوای درسی شروع کنیم. بخشی از محتوای درسی باید باشد و دفتر تألیف، سازمان پژوهش باید بیاید این را به عنوان یک دستور کار برای خودش تعریف کند و استراتژ این را از خود کتب درسی بزند. این هم به معنای این نیست که تمام فضای مجازی از طریق گوشی همراه دانش‌آموز آموزش داده شود. الان سوال این است که من معلم چقدر توانسته‌ام بخشی از تدریس خود را در فضای مجازی انجام دهم. فضای مجازی می‌تواند وقتی باشد که دانش‌آموز در کلاس واقعی در مدرسه نشسته است؛ استفاده درست و فرهنگ‌سازی از اینجا شروع می‌شود، ولی خب چقدر مدارس ما به معنای واقعی هوشمند هستند که من معلم رضای‌الان اراده کنم بخشی از تدریس خود را در خود مدرسه در فضای مجازی انجام دهم و بچه این را ببیند و مزایای آن را کاملاً لمس کند. این بخش نیاز به کار دارد که فضای مجازی را داخل کلاس خود هم ببریم.

**ولی اگر به مدارس دولتی نگاه کنیم، خیلی وضعیت امکانات ما بحرانی نیست.**

این بحث‌هایی که الان داریم در مدارس دولتی با وضعیت فعلی خیلی سخت است، من هم مدیر بود‌ام و هم در بدنه اداره آموزش و پرورش و می‌دانم خیلی با این وضعیت فاصله داریم.

